

# ایرستان

## حبیب برجیان

مجال تکمیل آنها دست دهد تا تاریخ و فرهنگ آسها در یک رشته پیوسته و منسجم کشیده شود و آگاهی جامع و مستدلی از سیر تحولات اقوام ایرانی شمالی در دست باشد.

گفتار حاضر حاوی اطلاعات پایه ای از ایرستان سده بیستم میلادی است و در بخشهای جغرافیا، تاریخ سیاسی، اقتصاد، معارف و مدنیات تنظیم شده است. از زبان و آداب و عقاید و ادب و هنر و فرهنگ ملی آسها در فرصت دیگری گفتگو خواهد شد. در ذکر عناوین سعی شد تا حد امکان صورت اصیل آسی، همراه با تلفظ معمول روسی، به دست داده شود که با مراجعه به نقشه ها و فرهنگهای آسی جامعه عمل پوشید.

ایرستان کنونی در بخش مرکزی جبال بزرگ قفقاز واقع است و به وسیله این رشته کوه به دوپاره شمالی و جنوبی تقسیم می شود. بخش شمالی «جمهوری ایرستان» است و در خاک فدراسیون روسیه جای دارد. بخش جنوبی،

می پردازد، در ده جلد قطوری که تا حرف G از آن طبع شده، تعداد انگشت شماری مقاله کوتاه و البته مستند از زبان و ادبیات آسی چاپ کرده ولی سخنی از ایرستان نوین به میان نیاورده است. (شاید به ملاحظه این که ایرستان کشور مستقلی نیست).

برای حصول شناخت از این قوم و این دیار یک مقاله البته کفایت نمی کند. تبار آسها به سکا یان و سمرتان باستانی می رسد، ایرستان کنونی گوشه ای از الاینه سده های میانه است، فرهنگ آسها از همسایگان قفقازی عناصر بسیار به وام گرفته است، و حماسه های «نارت» حاوی لایه های رنگارنگ خاطرات تاریخی این قوم دیرین است. در این زمینه ها نگارنده این سطور تا کنون مطالبی منتشر کرده و امیدوار است

<sup>۱</sup> نگاه کنید به:

- «از سکا یه تا تمدن سکائی کریمه»، ره آورد، ش ۴۸، پائیز ۱۳۷۷، ص ۱۵۳-۱۶۳.

- «سرمتا در دشتهای اروپای مرکزی»، ره آورد، ش ۴۹، بهار ۱۳۷۸، ص ۱۰۶-۱۱۳.

- «بادشاهی الان در قفقاز شمالی»، ره آورد، ش ۵۱، زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۹۰-۱۹۹.

- «اسب در تاریخ و فرهنگ ایرانیان شمالی»، یادنامه احمد فضللی، به کوشش علی اشرف صادقی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۹۵-۱۰۷.

- «مجله ای تازه در تاریخ اقوام ایرانی شمالی»، ایران شناسی، ۴/۹، ۱۳۷۶، ص ۸۰۹-۸۱۲.

شناخت جمهوری کوچک موسوم به «اوستیا» از هر جهت برای ما ایرانیان دارای اهمیت است. این جمهوری در قفقاز شمالی و وابسته به فدراسیون روسیه است و زبان آن، آسی، عضوی از خانواده زبانهای ایرانی و خویشاوند با زبان ماست. آسها خود را «ایر» (مفرد) و «ایران» (جمع)، زبان خود را «ایرانی» و میهن خود را «ایرستان» یا «ایرانستان» می خوانند. جزء «ایر» در این نامها از ماده -arya ی ایرانی باستان مشتق است و نام قومی همه مردمان ایرانی زبان است. آسها تنها بازماندگان شاخه شمالی اقوام ایرانی زبان به شمار می آیند.

ایرستان کشوری است ناشناخته - نه تنها برای ما ایرانیان بلکه برای دیگران نیز. فقط در ده ساله اخیر که مناقشات قومی و مذهبی قفقاز دامنگیر ایرستان نیز شد جراید غرب اخباری از Ossetia درج کردند. چند مقاله دانشگاهی هم در باب کشتار گرجیان از آسها و منازعات آس و اینگوش نوشته شد. با این همه، منبع اصلی اطلاعات قابل دسترس از ایرستان هنوز مقالاتی است که در باب دو نیمه شمالی و جنوبی آن در دایرة المعارف بزرگ شوروی مندرج است. مطالب سایر کتابهای مرجع بسیار کوتاه، غالباً نادرست و در هر حال بر همان مأخذ متکی است. دانشنامه ایرانیکا که به کلیه اقوام ایرانی زبان

- «مطالعات ایرانی و الانی»، ایران شناسی، ۴/۱۲، ۱۳۷۹، ص ۹۱۶-۹۲۳.

- «ترکیب قومی قفقاز»، ایران شناخت، ش ۱۰، پائیز ۱۳۷، ص ۲۰۶-۲۴۱.

- «نظری به پیشینه ستیزه های کنونی قفقاز»، ماهنامه پر، ۵/۱۶، خرداد ۱۳۸۰، ش ۱۸۵، ص ۸-۱۲.

- «ایرانیان شمالی»، دانشنامه بزرگ ایران، تهران، در دست طبع؛ «آندرونوو»، همان مأخذ.



فی‌گ دن، آری دن (آردن)،  
دردر، آرفی دن (اوروخ). در  
باختر دشت اوست دره دیگور  
واقع است و مسکن اقلیت قومی  
آسپاست.

دشت اوست را از هر سو  
کوه فرا گرفته و بریدگی رود  
ته رک تنها گذرگاه طبیعی  
است که آن را به بیرون  
می پیوندد. در شمال این دشت  
دورشته کم ارتفاع ته رک  
(ترسکی) و سونزه (سونزا) و  
در شمال این کوهها استان  
مزدگ (به روسی: مزدک)  
ادامه استپهای پهن‌اور روسیه  
جنوبی است. در نقشه جغرافیا  
آنچه که این استان را به پیکر  
اصلی جمهوری یعنی دشت  
اوست متصل می کند باریکه  
زمینی است که دورشته جبال  
مذکور را قطع می کند و صرفاً

منظور اتصال دو قسمت عملاً مجزای جمهوری  
ایرستان شمالی را برآورده می سازد. بنا بر این  
ایرستان شمالی وحدت جغرافیایی ندارد و برای  
رفتن از پایتخت به استان مزدگ بایستی کوهها  
را دور زد و از خاک همسایه غربی عبور کرد.<sup>۱</sup>  
دشت مزدگ با میزان بارش سالانه ۴۰ تا ۴۵  
ساعتی متر خشک تر و کمی گرمتر از دشت  
اوست است که بارش سالانه ۶۰ تا ۸۰ سانتی متر  
دارد و در نیمی از ایام سال حداقل دمای آن به  
زیر صفر می رسد. چشمه های معدنی و آبگرم  
ایرستان زیانزد و از جاذبه های گردشگری و

<sup>۱</sup> دانوب، دنیستر، دنیپر، دن و دیت نیز از همین ماده لغوی و  
یادگار حضور هزارساله ایرانیان شمالی در آن  
سرزمینهاست.

<sup>۲</sup> از این نظر ایرستان شمالی به تاجیکستان مانند است. در  
تاجیکستان نیز یگانه جاده داخلی که استان شمالی خجند را  
به تنه اصلی جمهوری متصل می کند در نیمی از سال  
برفیوش است و ترابری جز از طریق اوزبکستان امکان  
پذیر نیست.



ولایت (أبلاست) خودمختار ایرستان جنوبی، در  
جمهوری گرجستان است. در آستانه انحلال  
اتحاد جماهیر شوروی، ایرستان جنوبی دادخواه  
وحدت با همزبانان شمالی شد و دولت خود رأی  
تقلیس توسل به خشونت را تنها چاره کاردید و  
ولایت خودمختار ایرستان جنوبی را منحل کرد.  
قضیه ایرستان جنوبی هنوز فیصله نیافته و شرح  
آن محتاج بخشی جداگانه است. این گفتار بر  
هر دو بخش ایرستان ناظر است و اگر به بخش  
شمالی اعتنای چند برابر شده دلیلی جز این  
ندارد که جمهوری ایرستان از اعتبار بیشتر  
برخوردار است و اطلاعات مستند از آن  
به مراتب بیشتر از آگاهی ما از ایرستان جنوبی  
است.

### جغرافیای طبیعی و انسانی

مدار ۴۳ درجه عرض شمالی از میان خاک  
جمهوری ایرستان شمالی می گذرد. همسایگان  
آن در شمال استان استاوروپول روسیه، در جنوب  
جمهوری گرجستان، در شرق جمهوری  
اینگوش، در شمال شرق جمهوری چچن، و در  
غرب جمهوری کابارد و بالکار است. ایرستان  
شمالی ۸ هزار و ایرستان جنوبی ۳۹۰۰ کیلومتر  
مربع مساحت دارد. کل ایرستان از کشور قطر  
قدری بزرگتر است.

مرزدو پاره ایرستان خط الرأس جبال  
بزرگ قفقاز است که بلندترین قله آن البرس  
(۵۶۱۳ متر، همانم با البرز<sup>۲</sup>) است و کازبیک  
(قاضی بیگ، ۵۰۵۰ متر) در مرز جمهوری  
ایرستان جای دارد. بلندترین قله ایرستان  
شمالی شماره (۴۷۸۰ متر) و از آن ایرستان  
جنوبی خالت سا (۳۹۵۰ متر) است.

خاک ایرستان شمالی رو به شمال سرایشیب  
است. ثلث جنوبی جمهوری از ارتفاعات برهنه  
پوشیده است و آبادیهای منفرد در دره های تنگ  
و پیچاپیچ آن مسکن تاریخی آسپا در سده های

<sup>۲</sup> البرز و Elbrus دو صورت نزدیک از یک نام است که  
مردمان ایرانی زبان به کوهها داده اند. این لفظ در اوستا به  
صورت Hara brz(aiti) به معنای «هرای بلند» آمده  
است.

پیشین بوده است که اکثراً به جلگه های کوچ  
کرده اند. در ارتفاعات کمتر نواری از جنگل  
یک پنجم خاک جمهوری را می پوشاند. بخش  
بزرگی از بیشه ها را به کشتزار تبدیل کرده اند.  
کوهپایه های واقع در شمال نوار جنگلی به دشتی  
وسیع و شیبدار به نام «دشت اوست» می رسد  
که مراکز هشت استان از نه استان جمهوری در  
آن جای دارد. ارتفاع دشت اوست از ۶۰۰ متر در  
جنوب تا ۳۵۰ متر از سطح دریا کاسته می شود و  
رودهایی که در مسیر جنوبی- شمالی آن را  
آبیاری می کنند همه متعلق به حوضه آبریز  
ته رک اند. ته رک از یخچال زیلگا خوخ  
(=زیلگا کوه) سرچشمه می گیرد و پس از  
پیمودن ۶۰۰ کیلومتر به بحر خزر می ریزد.  
بزرگترین رودهای ایرستان شمالی، از شرق  
به غرب، عبارتند از: ته رک، قزل دن<sup>۳</sup>،

<sup>۳</sup> لفظ دن (don) در زبان آسی به معنای رودخانه و از ماده  
دانای ایرانی باستان است. نام رودهای اروپای شرقی:

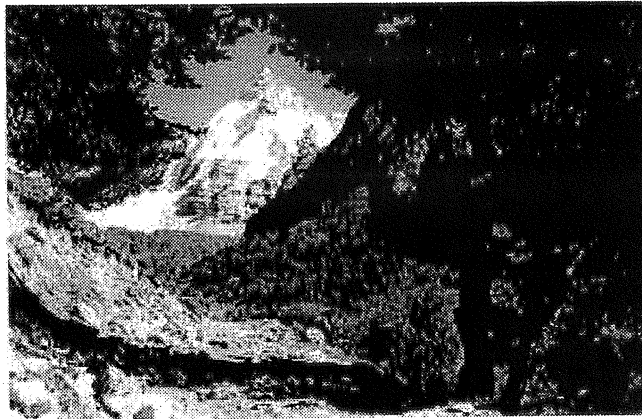
جلب سیاح است.

ایرستان جنوبی را چند معبر باریک و گردنه های بلند به ایرستان شمالی متصل می کند. در ایرستان جنوبی هامون فراخی وجود ندارد. بیش از نود درصد سطح آن بلندتر از هزار متر است و نیمی از خاک آن را جنگل و بیشه و مرتع پوشانده است. تنها در حاشیه جنوبی است که زراعت می شود. تسخین وال (Tskhinval(i) کرسی ولایتی و تنها شهر ایرستان جنوبی ۱۰۳۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. در ایرستان جنوبی چندین رود و نهر از شمال به جنوب جاری است که به رود کورا (کر) می ریزند. این رود پس از پیمودن جمهوری گرجستان و خاک اران به دریای خزر می ریزد. اقلیم ایرستان جنوبی تابع ارتفاع و میانگین بارش ۵۰ تا ۱۰۰ سانتی متر در سال است. از نظر بارندگی، ایرستان به دامنه های باختری زاگرس مانند است.

بنا به سرشماری ۱۹۸۹، ایرستان شمالی ۶۳۰ هزار و ایرستان جنوبی ۱۰۳ هزار جمعیت داشت. از اهالی ایرستان شمالی ۵۶ درصد آس، ۳۱ درصد روس، ۵ درصد اینگوش است و اوکراینی ها و گرجیان و ارمنیان هر کدام ۲ درصد جمعیت را شامل اند. در ایرستان جنوبی ۶۶ درصد جمعیت آس، ۲۹ درصد گرجی و ۲ درصد روس بودند. میزان شهرنشینی در ایرستان شمالی از ۷۰ درصد درمی گذرد که در میان جمهوریهای قفقاز شمالی بالاترین رقم است. با این حال بیش از نیمی از آسهای ساکن جمهوری ایرستان روستانشین اند. در ایرستان جنوبی یک چهارم اهالی شهرنشین اند.

از شهرهای ایرستان شمالی ولادی قفقاز (پایتخت) و مزدگ پیشینه ای بیش از یک قرن دارند و شهرهای بسلن، آلاگیر، دیگوره و آری دن جوانترند. ولادی قفقاز با ۳۲۰ هزار سکنه نیمی از جمعیت جمهوری را در خود جای می دهد و از کانونهای معتبر مدنی در سراسر قفقاز شمالی است. این شهر در محل آبادی جوجیقو (Dzauziqu) و در پیرامون درّی نطفه بست که در ۱۷۸۴ بنا شد. ولادی قفقاز به معنای

«حکومت قفقاز» است و نامش به اقتضای سیاست روز چند بار تغییر کرده: ارجینکیدزه (نام انقلابی مشهور گرجی) در ۱۹۳۲، جوجیقو (نام اصلی محل) در ۱۹۴۴، باز ارجینکیدزه در ۱۹۵۴، باز ولادی قفقاز (۱۹۹۰).



دره ای در ایرستان شمالی

کرسی ولایت خودمختار ایرستان جنوبی تسخین وال در سالهای ۱۹۳۴ تا ۱۹۶۱ استالین ری خوانده می شد و جمعیت آن در ۱۹۷۰ برابر ۳۰ هزار تن بود.

جمعیت کل آسها در طول یک سده اخیر چهار برابر شده است. سرشماریهای رسمی بدین قرار است: ۱۷۲ هزار نفر (۱۸۹۷)، ۲۷۲ هزار نفر (۱۹۲۶)، ۴۱۳ هزار نفر (۱۹۵۹)، ۴۸۸ هزار نفر (۱۹۷۰)، ۵۴۲ هزار نفر (۱۹۷۹). در سال ۱۹۸۹، کل آسهای ساکن در اتحاد شوروی ۵۹۸ هزار تن به شمارش آمدند. از این تعداد ۳۳۵ هزار نفر در ایرستان شمالی، ۶۵ هزار نفر در ایرستان جنوبی، و ۹۹ هزار نفر در سایر نواحی گرجستان می زیستند.

آسها از لحاظ گویش و مذهب به دو گروه بخش می شوند. اکثریت آسها مسیحی ارتدکس و به لهجه ایرانی / ایرونی<sup>۵</sup> گویشورند. ایرونی بعنوان زبان رسمی و ادبی پذیرفته شده و مورد استفاده همه آسها در کتابت است. گروه

<sup>۵</sup> ایرانی/ایرونی (Ironi)، همان حکیم تهرانی/تهرونی را دارد: در زبان آسی نیز واج /a/ی ایرانی باستان، هرگاه قبل از واج خیشومی /n/ قرار گیرد، بصورت گرد ادا می شود.

دیگر که یک چهارم کل جمعیت آسهاست مسلمانان سنی اند و گویش آنها دیگوری است. مسکن تاریخی این طایفه درّه دیگور در باختر ایرستان شمالی است. گفتنی این که آسها خواه رسماً مسلمان و خواه مسیحی تلقی شوند،

به اجرای احکام توحیدی اعتنا ندارند و آداب و اعتقادات کهن قومی در نزد ایشان زنده و جاری است. این موضوع گفتاری جداگانه می طلبد.

### تاریخ سیاسی

جامعه آسها از همان آغاز سده بیستم تابع تلاطمات سیاسی و اجتماعی روسیه بود.

انعکاس انقلاب اول روس (۱۹۰۵) در ایرستان به صورت اعتصاب عمومی در ولادی قفقاز، مصادره املاک اربابی و وقفی در آری دن، غارت زمینهای مهاجرنشینان روس در آلاگیر، و تعرض به جنگلبانیها ظاهر شد. این اغتشاشات زودگذر بود و با تعبد مسؤولان شورش به سبیری نظم عمومی باز برقرار شد. با وجود شکست انقلاب، سوسیال دموکراتها در ناحیه ریشه بهم رسانیده بودند و ولادی قفقاز کانون انقلابی منطقه شده بود. چند سال بعد، سرگی کیروف، دولتمرد آینده که نامش بر شماری از شهرهای شوروی نهاده شد، بعنوان ویراستار یک روزنامه محلی به ولادی قفقاز آمد، فعالیت مخفیانه اش را در شهر و پیرامون آن آغاز کرد و تشکیلات بلشویکی را در ۱۹۰۹ سازمان داد.

سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۰- دوره انقلابات و جنگهای داخلی روسیه- ایرستان عرصه کارزارهای نیروهای سرخ و سفید و مذهبی گشت. اندکی پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷، شورای انقلابی ولادی قفقاز در ۲۱ مارس اعلام موجودیت کرد. در همان سال نیروهای «ضد انقلاب» مرکب از ملاکان محلی و صاحبان صنایع نفت گروزی، حکومتی در ولادی قفقاز



خویش از ۸۴ درصد به ۶۰ درصد شد.

با این همه، غضب دولت شوروی نسبت به اقوام مسلمان قفقاز گویا شامل حال آسهای مسلمان (دیگورها) نیز شد که به اتفاق چند طایفه دیگر منطقه به جمهوریهای آسیای مرکزی تبعید شدند. انحلال جمهوری خودمختار چچن و اینگوش که بدان اشاره شد معلول همین تبعید دسته جمعی بود. اتهام تبعیدیان، یعنی استقبال از تجاوز آلمان، امری است که هنوز پس از گذشت بیش از نیم قرن به اثبات نرسیده است. علت واقعی تبعید کینه ای بود که روسیه و جانشین آن شوروی از ترمرد برخی از قبایل، چه در آشوبهای سده نوزدهم، چه در انقلاب و چه در ایام اشتراکی کردن مزارع، بدل داشت. در هر حال اگر این کیفیت و نیز افترای همدستی احتمالی با آلمان در مورد اقوامی چون چچن و چرکس و قره چای که تاریکاً با ترکیه و تاتارهای کریمه نیز مرتبط بودند چیزی از واقعیت در برداشته باشد، داخل کردن آسهای دیگوری در این زمره بسیاری نامحتمل بلکه ناممکن می نماید، چه گواهی وجود ندارد که دیگورها، به رغم مذهب و گویش متفاوتی که با آسهای مسیحی دارند، رویه خاصی نسبت به حکومت شوروی در امور سیاسی و نظامی اختیار کرده باشند. این پرسش نویسنده این سطور نیز هرگز پاسخی نیافت که در سنوات حساس جنگ جهانی دوم و صدمات مالی ناشی از آن چگونه و با چه وسیله ای توانستند تمامی افراد چندین قوم را وادار به مهاجرت به نقاطی صدها فرسنگ دورتر از زاد و بوم شان بنمایند و با کمترین مقاومت روبرو نشوند؟ این که تاریخ نگاران و مردم شناسان موشکاف غربی این مهاجرتهای انبوه را به آسانی پذیرفته و، با ذکر چند عبارت، سبکسرانه از آن گذشته اند مایه شگفتی است و بس. باری، کیفیت و کمیت این تبعید بزرگ را به ویژه در مورد آسهای دیگور باستی هنوز مسأله ای حل نشده تلقی کرد و منتظر انتشار و تحلیل اسناد محرمانه با یگانهای شوروی ماند.

به هر تقدیر، در سال ۱۹۵۷، سیزده سال

پس از تاریخ تبعید و چهار سال پس از مرگ

استالین، از اقوام تبعیدی اعاده حیثیت به عمل آمد و به آنان اجازه بازگشت به وطن اعطا شد. نهایت این که جماعتی از اینگوشها در مراجعت به پریگورودنی املاک شخصی خویش را در تصرف آسها یافتند و اسکان مجددشان خالی از رفتارهای خشونت آمیز نبود. ناگفته نماند که روسیه، برای دلجویی از بخشودگان، اراضی تازه ای را از استان استاوروپول در شمال به جمهوری خودمختار چچن و اینگوش بخشید، چنان که خاک این جمهوری از نو احیا شده نسبت به سابق توسعه هم یافت، لیکن دعاوی اینگوشها نسبت به پریگورودنی - ناحیه ای که نصیب ایرستان شمالی شده بود - مرافعه نشد و در دهه های آینده گهگاه زد و خوردهایی میان اینگوشها و آسها رخ می داد.

سر آمدن عصر اتحاد جماهیر شوروی و دوره متمدن آرامش نسبی ای که میان اقوام گوناگون آن کشور برقرار بود بیش از همه برای آسها زیانبار بود. از نیمه دهه ۱۹۸۰ در گرجستان نغمه «گرجستان از آن گرجیان» علیه اقلیتها ساز شد و امحاء آسها را که علاوه بر ایرستان جنوبی در سایر نقاط گرجستان پراکنده بودند نخستین هدف خود قرار داد. در سال ۱۹۸۹ به تحریک گامساخوردیا، رجل کینه توز و ستیزه خوی گرجستان، دسته های مسلح غیر نظامی به آبادیهای آس نشین هجوم آوردند. آشوبهای پیاپی صدها کشته و صدهزار خانه بدوش آواره به بار آورد. ایرستان جنوبی که از آغاز قرن جداً طالب وحدت با ایرستان شمالی بود و در هر مجالی خواسته خود را ابراز کرده بود، این بار درگیری گرجستان با تجزیه طلبان ابخازی را مغتنم شمرد و در سپتامبر ۱۹۹۰ خود را از گرجستان مستقل خواند. به بهانه این کردار، حکومت تفلیس حق خودمختاری را از ایرستان جنوبی سلب کرد و در صدد استیصال آن برآمد. برغم دخالت روسیه، درگیریها تا ژانویه ۱۹۹۲ که ادوارد شوارنادزه، سیاستمدار کهنه کار دوره شوروی، زمام امور گرجستان را مجدداً در دست گرفت، به تفاریق ادامه یافت.

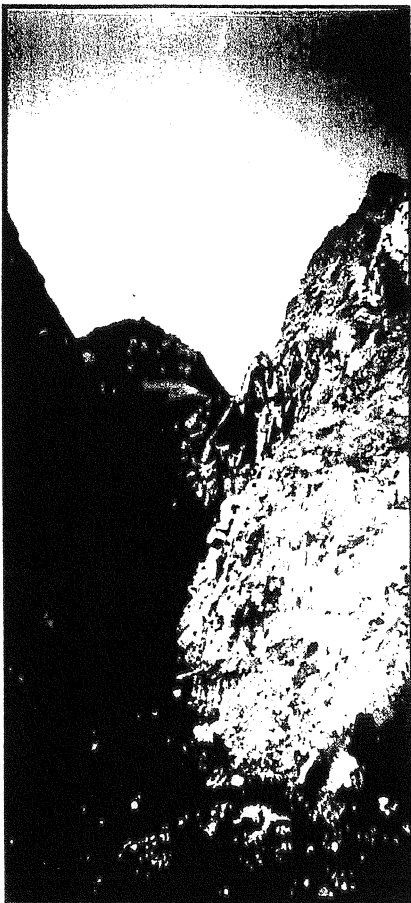
از سوی دیگر، در شمال جبال قفقاز، آتش

نفاق دیرین میان آس و اینگوش در سنوات هرج و مرج اواخر دوره شوروی باز شعله ور شد و زد و خوردهای متفرق چند سال ادامه یافت تا آن که در نوامبر ۱۹۹۲ دو جمهوری اینگوش و ایرستان رسماً وارد جنگ شدند. این جنگ هشت روزه فقط با دخالت قوای فدراسیون روسیه (که برای قلع و قمع جدایی خواهان چچن در آن حوالی بسیج بود) به متارکه کشید، لیکن صدها تلفات و دهها هزار آواره ناشی از این جنگ ضامن

تداوم خصومت و کین خواهی شد.

ادامه این مقاله و فهرست منابع در شماره

آینده به چاپ خواهد رسید. ❖



دره ای در ایرستان شمالی

# ایرستان

## حیب برجیان

نام رسمی ایرستان در سنوات پس از غروب اتحاد شوروی دو بار تغییر کرده است. بار نخست در سال ۱۹۹۱، زمانی که به موجب قانون جدید همه جمهوریهای خودمختار شانزده گانه عضو فدراسیون روسیه به مقام «جمهوری» (بدون پسوند خودمختار) ارتقاء درجه یافتند، شورای عالی جمهوری ایرستان شمالی نام رسمی «جمهوری شوروی سوسیالیستی اوستیا» را برای کشور خود برگزید. این امر در زمانی صورت می گرفت که روسیه و کلیه مناطق اداری تابع آن هم با سوسیالیسم و هم با نظام شورایی وداع گفته بودند. در واقع دولتمردان محافظه کار ایرستان که، در شرایط تازه و نظام نوین، وحدت و تمامیت ارضی جمهوری خود را در خطر می دیدند نهایت کوشش را در اعاده نظام سابق و تظاهر به امانت نسبت به مسکو به خرج می دادند. لیکن این نام دیری نپایید و در دسامبر ۱۹۹۳ آخرین جمهوری شوروی سوسیالیستی تسلیم واقعیتهای انکارناپذیر زمان گشت و عواطف و احساسات ملی مردم ایرستان در نام تازه «جمهوری آلتایا - اوستیا» تجلی یافت. نام مذکور البته عنوان رسمی و بین المللی کشوری است که مردمش در زبان خودی بدان «ایرستان» و «ایرانستان» می گویند.

ایرستان شمالی دو دوره انتخابات ریاست جمهوری را پشت سر نهاده است. نخستین رئیس

جمهوری ایرستان، آهسار بیگ گازلوف، از سیاستمداران کهنه کار، در ژانویه ۱۹۹۴ انتخاب شد. چهار سال بعد، در انتخاباتی که ۷۰ درصد از ۴۲۹ هزار واجدان شرایط را به پای صندوقهای رأی کشید، الکساندر دزاسوخوف با اخذ ۷۳ درصد آراء پیروز شد. وی رئیس اسبق حزب کمونیست ایرستان بود.

## اقتصاد

پیش از دوره شوروی اقتصاد ایرستان بر کشاورزی و دامداری متکی بود و صنعت عمده آن را معدنکاوای با سرمایه گذاری شرکتهای خارجی شامل می شد. در دوره هفتاد ساله شوروی دگرگونیهای صنعتی در اقتصاد جمهوری ایرستان شمالی ادامه یافت. اما ایرستان جنوبی هنوز گذران اساساً فلاحتی دارد.

معیشت روستایی ایرستان از همان نخستین سنوات حکومت شوروی در مجرای ساختار خاص زراعت آن کشور، یعنی اشتراکی و مکانیزه شدن، سوق داده شد. از نیمه سالهای ۱۹۲۰ آسهای کوه نشین، به انبوه، از دهکده های قبیله ای و عشیره ای خویش به دشتها و هامونها کوچانده شدند. برنامه پنج ساله اول (۱۹۲۸) ۲۸۰۰ خانوار ایرستان شمالی (۱۲ درصد کل خانوارهای روستایی) را در مزارع اشتراکی (۴ درصد کل اراضی) به کار گماشت. این ارقام در سال ۱۹۳۲ به ۲۳۵۰۰ خانوار (۸۲ درصد کل خانوارها) و ۹۱ درصد اراضی افزایش یافت.

تجدید سازماندهی نظام کشاورزی در طی برنامه های پیاپی پنج ساله منجر به استقرار مجتمعهای کشاورزی بزرگ و بزرگتر گشت تا آن که در نیمه دهه ۱۹۷۰ تقریباً تثبیت شد و در ایرستان شمالی عدد مزارع اشتراکی (کالخور) به ۴۵ و مزارع دولتی (سافخور) به ۳۰ رسید. در ایرستان جنوبی ۱۴ کالخور و ۱۶ سافخور دایر بود. این مزارع در سالهای اخیر در جهت خصوصی کردن پیش رفته است.

توسعه شبکه آبیاری، صنعتی کردن کشاورزی، و تبدیل جنگلها به کشتزار سطح اراضی زیر کشت را در طول نیم قرن دوبرابر کرد و در ایرستان شمالی به ۲۰۰ هزار هکتار رسانید. با این حال فقط ربع اراضی جمهوری آبیاری می شود و باقی زمین دیمی است. در ایرستان شمالی مزارع ذرت و گندم نیمی از کشتزارها را فرا می گیرد و آفتابگردان و سیب زمینی و سبزیجات و میوه، خاصه انگور، از محصولات اصلی است. شراب و عرق سهم قابل توجهی در صادرات جمهوری دارد. در ایرستان جنوبی کشت غلات و سیفی جات و باغداری و خصوصاً پرورش دام از مشاغل عمده اهالی است. هرگاه ایرستان را با سایر جمهوریهای قفقاز یا آسیای مرکزی بسنجیم، پیشرفت صنعتی آن را چشمگیر خواهیم یافت. در واقع راه صنعتی شدن ایرستان شمالی از همان سده نوزدهم هموار شده بود و عده معتنا بپی از اهالی در استخراج روی و سرب از معادن کوهستانی و خدمات

وابسته بدان به فعالیت گرفته شده بودند. در دهه های اخیر استخراج فلزات فزونی گرفت و مصالح ساختمانی و تورب و نفت و آب معدنی به آن علاوه گشت.

وجود رودهای کوهستانی در جمهوری ایرستان، بهره برداری گسترده از انرژی پتانسیل آب را به ارمغان آورده است. سه مرکز تولید برق قزل دن و ولادی قفقاز و ازمی بر روی رودخانه ته رک به شبکه فراگیر توزیع انرژی قفقاز شمالی برق می رساند. فراوانی ذخایر الکتریسیته به احداث صنایع برق طلبی چون متالورژی سرب و روی و کارگاههای تولید ابزار الکتریکی در جمهوری میدان داده است. از صنایع کارخانه ای ماشین سازی در صدر قرار می گیرد و چهل درصد کارکنان بخش صنعت را مشغول می کند. دیگر مجتمع بزرگ پردازش ذرت در شهر پسلن است که ملاس و نشاسته و گلوکز و شکر و روغن نباتی و خوراک دام تولید می کند و فرآورده های آن صادر می شود.

ایرستان شمالی به منطقه اقتصادی قفقاز شمالی، فدراسیون روسیه تعلق دارد<sup>۱</sup> و اقتصاد آن در چارچوب وظایف و نیازهای این منطقه برنامه ریزی می شود. جمهوری ایرستان در برابر صادرات فلز و آلیاژ، افزای برقی و مکانیکی، محصولات شیمیایی، فرآورده های غذایی و نوشیدنی به روسیه و اقمار آن، از آنها ماشین آلات و آهن و الوار و سیمان و سوخت وارد می کند. کشف ذخایر نفت و گاز که ۳۵ میلیون تن برآورد می شود اولیاء جمهوری را به صرافت انداخته و بناست از سال ۲۰۰۳ سالانه ۹۸ هزار تن نفت خام و ۲۷ میلیون متر مکعب گاز استخراج شود.

از رموز ترقیات مدنی و اقتصادی ایرستان شمالی قرار داشتن بر سر راههای اصلی قفقاز است. راه آهن روستوف (در ساحل دن) به باکو

<sup>۱</sup> منطقه قفقاز شمالی شامل جمهوریهای داغستان، چچن، اینگوش، ایرستان شمالی، کابارد و بالکار، قره جای و چرکس ادیغه و استانهای کراسنودار و استاوروپل و روستوف است و ۵ درصد کل اقتصاد روسیه به حساب می آید.

از دل جمهوری ایرستان عبور می کند و ولادی قفقاز و مزدگ هر کدام در مسیر یکی از دو شاخه آن جای دارند. بزرگراه مسکو-تفلیس-ایروان نیز خاک ایرستان شمالی را می پیماید و در ولادی قفقاز شعبه ای از آن جدا می شود به سوی باکو می رود. این همان «شاهراه نظامی گرجستان» است که در دره رود ته رک و گذرگاه تاریخی داریال (در الان یا باب اللان) در اواخر سده هجدهم احداث شد و حاکمیت روسیه را بر منطقه تثبیت نمود. یک قرن بعد، راه کوهستانی دیگری به نام «جاده نظامی اوست» میان درگ کوخ (= درگ کوه) در ایرستان شمالی و کوتایسی در گرجستان کشیده شد. طرق و شوارع ایرستان شمالی بالغ بر ۱۵۰ کیلومتر راه آهن و دو هزار کیلومتر جاده است. میان ایرستان شمالی و ایرستان جنوبی راه مهمی احداث نشده است.

### مدنیات

از اواخر سده نوزدهم، که بر اثر مهاجرت نیروهای متخصص از روسیه، ولادی قفقاز رو به گسترش نهاد، ایرستان دستخوش تحولات مدنی نظر گیر شد و مظاهر و مآثر عصر جدید در آن بنیاد شد. گواه این کیفیت شاخصهای بهداشت و آموزش و پرورش در دو دهه نخست سده بیستم است: در ایرستان شمالی، تا سال ۱۹۱۳، ۱۱ بیمارستان و ۲۰ کلینیک با ۶۱ پزشک وجود داشت و تا پیش از انقلاب ۱۹۱۷، ۱۶۵ دبستان با ۱۷ هزار شاگرد و ۲ دبیرستان با ۱۰۰ دانش آموز تأسیس شده بود. در همان ایام در ایرستان جنوبی ۱۸۰۰ شاگرد در ۳۸ دبستان تحصیل می کردند.

در دوره شوروی تحولات ناشی از تجدد مانند بسط خدمات اجتماعی و به طور کلی توسعه شهرنشینی و نهادهای ملازم با آن آهنگی شتابان یافت. ریشه کنی بیسوادی با آن شتاب حیرت آور از اراده و عمل حاکمیت شوروی در دهه های نخستین استقرار آن حکایت دارد. آموزش مبانی حفظ الصحه به توده روستایی و دفع بیماریهای واگیردار به تازاید بی سابقه جمعیت

میدان داد. در ایرستان، همچون سایر جوامع آسیایی شوروی سابق، تا سالهای ۱۹۷۰، شاخصهای رفاهی همواره سیری صعودی داشت و از آن پس رشد جمعیت بر عوایدی که صرف خدمات عمومی می شد فایق آمد و نمودارهای متعارف افولی نسبی را نشان داد. در دهه ساله پانزدهم سده بیستم که دیگر از انطباط سابق خبری نبود و هر دوباره ایرستان درگیر جنگهای خانمان برانداز با همسایگان شدند، پیشرفت نیز به قهقرا رفت و شاخصهای آن در جهت وارونه افتاد. بنا بر آنچه گفته شد، دهه هفتاد شاهد کمال رشد اقتصادی و مدنی بود. در نیمه این دهه در ایرستان شمالی ۶۷۰۰ تخت بیمارستان و ۲۹۰۰ پزشک (یک پزشک برای هر ۲۰۵ نفر) و در ایرستان جنوبی ۱۴۰۰ تخت بیمارستان و ۳۳۴ پزشک (یک پزشک برای هر ۳۸۵ نفر) وجود داشت.

سابقه آموزش عالی در ایرستان شمالی

به سال ۱۹۲۰ می رسد که آموزشگاه تربیت معلم در ولادی قفقاز تأسیس شد. این آموزشگاه در ۱۹۶۹ به دانشگاهی تبدیل شد که اکنون دانشکده های فیزیک و ریاضیات، شیمی و زیست شناسی، تاریخ، زبان شناسی، زبانهای خارجی، حقوق، اقتصاد، تربیت بدنی را شامل است و کتابخانه آن بالغ بر نیم میلیون نسخه کتاب و نشریه دارد. نیز سه مدرسه عالی کشاورزی، طب، معدن و متالورژی و ۱۲ آموزشگاه حرفه ای در جمهوری فعالند. تعداد دانشجویان جمهوری بالغ بر ۲۲ هزار است. مهمترین مرکز پژوهشی ایرستان شمالی مؤسسه تحقیقات تاریخ، اقتصاد، زبان و ادبیات است که در سال ۱۹۱۸ با نام انجمن آسی تاریخ و فقه اللغه بنیاد گرفت. در ایرستان جنوبی تنها مؤسسه آموزش عالی مدرسه تربیت معلم است.

مطبوعات در ایرستان شمالی به زبانهای روسی و آسی و در ایرستان جنوبی به زبانهای گرجی و آسی منتشر می شود. نخستین روزنامه آسی زبان Iron Gazet در ۱۹۰۶ هفته ای دوبار در پانصد نسخه منتشر شد ولی بیش از یک ماه نپایید. روزنامه های Nog tsard (زندگی نو، از



Cornell, Svante F., "Conflicts in the North Caucasus." *Central Asian Survey* 17/3, 1998, pp. 409-441.

Drobizheva, L., et al., eds, *Ethnic Conflicts in the Post-Soviet World Case Studies and Analysis*, Armonk, N.Y., 1996.

Dzhaner, A.K., et al, "Severnaia Osetiia SSR," *Great Soviet Encyclopedia*, New York, 1973-83, vol. 23, pp. 394-399.

Hewsen, Robert H., "Ossetians," *Modern Encyclopedia of Russian and Soviet History*, ed. J.L. Wiczynski, Gulf Breeze, FL., vo. 26, 1982, pp. 135-143.

Ivanov, A.S., "Iuzhnaia Osetiia Autonomous Oblast," *Great Soviet Encyclopedia*, vol. 30, pp. 459-461.

Kverenchkhiladze, p., *Yogo-Osetiia*, Tskhinvali, 1968.

Pipes, R., *The Formation of the Soviet Union: Communism and Nationalism*, Cambridge, Mass., 1964.

Pokshishevskii, V. V., "Geography of the Pre-Revolutionary Colonization and Migration Process in the North Caucasus," *Soviet Geography*, September 1984, pp. 514-528.

Rothstein, Andrew, ed., *A People Reborn: The Story of North Ossetia*, London, 1954. *Russia & Eurasia facts & figures annual*, Gulf Breeze, Florida, 1993-.

Serebrianaia, M. I., *Geografija Severnoi Osetii*, 3rd ed., Ordzhonikidze, 1969.

Trilati, T., "Literature on Ossetia and the Ossetians," *Caucasian Review*, VI, Munich, 1958, pp. 107-26.

Tsutsiev, B.A. *Ekonomika I kul'tura Severnoi Osetii*, Ordzhonikidze, 1967.

Yandiev, A., *Vladikavkaz: neizvestnye stranitsy istorii goroda*, Saratov, 1999.

معتنابهی قهرمان که در زیر پرچم شوروی یا روسیه به میدانهای بین المللی رفته اند از این جمهوری کوچک برخاسته اند. ارمغان ورزشکاران ایرستان از بازیهای المپیک ۱۷ مدال از جمله ۷ مدال طلا بوده است. نیز ایرستان از کشورهای معدودی است که گروه کوهنورد به قله اورست فرستاده است (۱۹۹۵). اما آنچه که نام ایرستان را در این چند ساله بر سر زبانها انداخت توفیق تیم فوتبال آن بوده است. تیم برگزیده ولادی قفقاز که سابقاً اسپارتاک نام داشت و امروز نام ملی آنرا را زیننده یافته است در دوره های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶ به مرحله فینال دسته اول جام باشگاههای روسیه رسید و در سال ۱۹۹۵ مقام قهرمانی را احراز کرد و به رقابت با برگزیدگان اروپا رفت. ❖

#### فهرست مآخذ

Atlas Gruzinskoi SSR. Tbilisi-Moskova, 1964.

Atlas Severo-Osetinskoi ASSR, Moskova, 1967.

Baddeley, John F., *The Rugged Flanks of the Caucasus*, Oxford and London, 1940.

Birch, Julian, "Ossetia-Land of uncertain frontiers and manipulative elite." *Central Asian Survey* 18/4, 1999, pp.501-534.

Cherdzhiev, Kh. S., *Narodnoe khoziaistvo Severo-Osetinskoi ASSR*. I. Ordzhonikidze, 1971.

Coppieters, B., ed., *Contested Borders in the Caucasus*, Brussels, 1996.

۱۹۰۷) و Rastzinad (راستی و حقیقت، از ۱۹۲۳) در شمال و Seveto Iryston (از ۱۹۲۴) در جنوب منتشر شد. از جمله نشریات ادواری Zond (برهسان، ۱۹۰۷)، Afsir (خوشه، ۱۹۱۰)، Khury tyn (پرتو خورشید، ۱۹۱۲)، Makh Dug (دوران ما، ۱۹۳۴) در شمال و Fidiuag (پیک، ۱۹۲۷) در جنوب بوده است. مطبوعات گویش دیگور در سالهای ۱۹۳۰ به سود گویش رسمی ایرون صحنه را ترک کردند. با وجود رواج روز افزون کتابت به زبان ملی، انتشارات روسی زبان جمهوری ایرستان چندین برابر انتشارات آسی زبان بوده است. در ۱۹۷۴، به زبان روسی ۱۴۱ عنوان کتاب جمعاً در بیش از یک میلیون نسخه چاپ شد. در ۱۹۸۳، به زبان آسی ۶۵ عنوان در ۱۷۷ هزار نسخه به بازار کتاب عرضه شد. وجود اقلیت روس در جمهوری ایرستان و استقبال عمومی از زبان رسمی فدراسیون روسیه در نشر معارف روسی دخالت داشته است.

بدون اشاره به ورزش و قهرمانی داستان ایرستان به سر نمی رسد. پهلوانان حماسه آفرین عصر ما ورزشکاران اند و هیچ عرصه ای چون میدانهای ورزشی تجلی گاه تشخیص ایرستان در منطقه قفقاز و در کل روسیه نیست، و از این نظر آنها به حق به وطن خود می بالند. کشتی آزاد ورزش ملی ایرستان است و عده



پلاتاریوم (گنبد نمایش افلاک) در ولادی قفقاز. می گویند سابقاً مسجد شیعیان بوده است.